

## روند و فرایند تحقیقات اجتماعی در ایران

\*مجید کفاشی

\*\*سروش فتحی

### چکیده

نوشته حاضر به بررسی روند و فرایند تحقیقات اجتماعی در ایران می پردازد. ایران به عنوان یکی از کشورهای پیرامون برای دستیابی به توسعه پایدار تلاش زیادی نموده است. واضح است که سهم مهمی از توسعه جوامع به تحقیقات اجتماعی بستگی دارد و نمی توان ارتباط بین تحقیقات اجتماعی و توسعه جوامع را انکار نمود. این که چرا با وجود تحقیقات فراوانی که در ایران صورت گرفته، کشورما هنوز نتوانسته است جایگاه و پایگاهی از نقطه نظر تحقیقات اجتماعی بدست آورد، نگارنده را برآن داشته که به بررسی این مساله بپردازد. با توجه به نقش مهم تحقیقات اجتماعی در توسعه جوامع هدف مقاله حاضر ضمن بررسی و مقایسه وضعیت تحقیقات اجتماعی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، جایگاه و پایگاه تحقیقات اجتماعی ایران در جوامع کانون و پیرامون است که با روش اسنادی و مصاحبه با صاحب نظران مورد مطالعه قرار گرفته است. در این بررسی مشخص گردید عواملی چون بی توجهی به تحقیقات و محققان در کشور، نبود آزادی در بیان علمی، نهادینه نشدن تحقیقات در فرهنگ، نبود روحیه تحقیقات جمعی، نبود امکانات پژوهشی مناسب کمبود اعتبارات پژوهشی و... در روند و فرایند تحقیقات اجتماعی موثر بوده اند.

واژگان کلیدی: تحقیقات اجتماعی، جوامع کانون، جوامع پیرامون، توسعه، توسعه

نیافتگی.

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

\*\* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

## مقدمه

بررسی پیشرفت‌های علمی کشورها حاکی از آن است که علوم فقط از طریق آموزش بدست نمی‌آیند، بلکه تحقیق در تولید و اشاعه علوم نقش مؤثری دارد و کشورهایی که تحقیقات اصیل و مستقلی ندارند از توسعه و رشد درونزا برخوردار نیستند. بنابراین نقش تحقیقات علمی به منزله ساز و کار مؤثر و تعیین کننده در توسعه ملی را نمی‌توان کم اهمیت تلقی کرد. تاثیرگذاری تحقیقات علمی در ابعاد مختلف آن (تحقیقات بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای) بر سایر متغیرهای اقتصادی- اجتماعی از جمله فقر، بیکاری، درآمد سرانه ملی و... باعث بهبود وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. گسترش این توسعه به بهبود شاخص‌های اجتماعی نظیر آموزش، بهداشت، مسکن، تامین و امنیت اجتماعی و... منجر می‌شود.

بنابراین توسعه موزون به دلیل گسترش تحقیقات در جوامع رخ می‌دهد و می‌تواند تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را تحت تاثیر قرار دهد. بعلاوه بهبود شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی به معنای تامین نیازهای اساسی جامعه، احساس اعتماد به نفس، رفاه اجتماعی و اقتصادی را برای افراد جامعه فراهم می‌گردد.

جامعه ایران بعنوان یک کشور آسیایی و در حال توسعه که تلاش می‌کند گام‌هایی را در جهت توسعه موزون بر دارد در طول تاریخ تغییرات و تحولات زیادی را تجربه کرده است و این واقعیت را دریافته که جز با تحقیقات علمی و کاربردی نمی‌توان قدم در این راه گذاشت. مسئولین و دولت مردان در بخش‌های مختلف جامعه ایران به اهمیت این موضوع واقفند اما در عمل از نتایج تحقیقات در تصمیم‌گیریها و مدیریت امور استفاده نمی‌کنند لذا ضرورت دارد این پدیده و روند آن در جامعه ایران مورد بررسی قرار گیرند.

**روش پژوهش:** در این مقاله روند و فرایند تحقیقات اجتماعی با استفاده از روش اسنادی و مصاحبه با مسئولین در حوزه‌های پژوهشی صورت گرفته است.

## بیان مساله

ایران به عنوان یکی از کشورهای پیرامون برای دستیابی به توسعه پایدار تلاش زیادی نموده است. همان طور که اشاره گردید ارتباط بین تحقیقات و توسعه جوامع را نمی توان انکار نمود به همین منظور باید اذعان داشت تحقیقات زیادی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران صورت گرفته است. این که چرا با وجود تحقیقات فراوان ایران نتوانسته است که جایگاه و پایگاهی از نقطه نظر تحقیقات اجتماعی بدست آورد، نگارنده را واداشته تا به بررسی این مساله بپردازد.

## رویکرد

اصولاً تحقیقات اجتماعی وسیله ای برای شناخت واقعیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه است. به عبارت دیگر تحقیقات اجتماعی موجب شناخت دقیق انسان نسبت به پدیده های اجتماعی می شوند و دستاوردهای چنین شناختی به تولید علم منجر می شود. با توجه به شرایط درون و برون جوامع کشورهای کانون، تحقیقات اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا توجه به تحقیقات اجتماعی بر پایه ضرورت ها و نیازهای درونی آنها صورت می گیرد. در حالی که در کشورهای پیرامونی نقش تحقیقات اجتماعی کم رنگ است.

بنابراین ملاحظه می شود هر چه جامعه به تدریج پیچیده تر شود نیازهای انسان هم پیچیده تر و نیاز به تحقیقات دقیق تر برای شناخت نیازهای پیچیده، بیشتر می شود. لذا با شکل گیری تحقیقات در تمام حوزه ها و استفاده از دستاوردهای آنها است که تولید علم فراهم می گردد و جوامع توسعه می یابند.

در مقاله حاضر با بررسی روند تحقیقات اجتماعی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی و مشخص نمودن جایگاه و پایگاه تحقیقات اجتماعی ایران در کشورهای کانون و پیرامون می توان به این موضوع اشاره کرد.

نمودار ۱: رابطه نیازهای بشری با تحقیقات اجتماعی و توسعه

جامعه که بتدریج پیچیده تر می شود ← نیازهای پیچیده تر می شود ← نیاز به تحقیقات دقیق تر برای شناخت نیازهای پیچیده بیشتر ← شکل گیری تحقیقات در تمام حوزه ها (از جمله علوم اجتماعی) ← استفاده از تسایح و دستاوردهای تحقیقات برای رفع نیازها ← تولید علم توسعه و مسائل توسعه.

### جایگاه و پایگاه تحقیق و پژوهش قبل از انقلاب اسلامی ایران

اگر مؤسسه تحقیقاتی پاستور را که در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی برای امر تحقیقات پزشکی تاسیس شد و چند مرکز دیگر را که فعالیت پژوهشی داشتند را کنار بگذاریم باید گفت تا حدود سال ۱۳۴۰ مراکز تحقیقاتی زیادی در کشور وجود نداشته است. پس از آن تا سال ۱۳۵۰ مراکز تحقیقاتی متعددی تاسیس گردیدند. با افزایش درآمدهای دولت در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ بودجه و امکانات قابل توجهی به تحقیقات اختصاص یافت که تا سال ۱۳۵۷ نیز ادامه یافت نظام تحقیقاتی که مجموعه‌ای نظام یافته از اهداف، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سامان‌دهی مراکز اجرایی، هدایت و نظارت بر تحقیقات، نهادهای مجری تحقیقات و خدمات عملی و فنی است در کشور کمبود آن احساس می‌شد. به همین منظور قبل از بوجود آمدن شورای پژوهش‌های علمی کشور، شورای توسعه و تشویق پژوهش‌های علمی کشور در سال ۱۳۵۰ مورد تصویب قرار گرفت. هدف از تشکیل این شورا توسعه پژوهش‌های علمی کشور در رشته‌های مختلف علوم و فنون، تربیت محققان، تشویق و ارشاد پژوهش‌های جمعی و فردی نشر کتاب و انتشار مطالعات و تحقیقات بود (لهسایی زاده، ۱۳۷۵، ص ۹۷).

می‌توان گفت قبل از انقلاب بخش تحقیق و توسعه در کشور جایگاه روشنی در کشور نداشته است و یا اگر هم داشته نقش آن کم‌رنگ بوده است.

از منظر تحقیقات اجتماعی از آنجا که اساتید علوم اجتماعی در ایران قبل از انقلاب اسلامی عمدتاً در آمریکا و اروپا آموزش دیده بودند، بنابراین هم خود در تحقیقات سبک و شیوه علمی فراگرفته را پیاده کردند و هم کارشناسانی را که آموزش می‌دادند در این مسیر به حرکت وا می‌داشتند و تحقیقات عمدتاً به دنبال علت‌یابی پدیده‌های اجتماعی خاص بود.

در این دوران برحسب وجود سه دیدگاه رایج در علوم اجتماعی غرب (دیدگاه‌های محافظه کاران، رادیکال، لیبرال).

مسائل اجتماعی ایران نیز با توجه به یکی از این دیدگاه‌ها بررسی و عرضه می‌گردید. در عمل استادان و محققان علوم اجتماعی ایران دیدگاه محافظه‌کاران را در مورد بررسی مسائل اجتماعی، زیاد نمی‌پسندیدند زیرا شرایط اجتماعی جامعه به گونه‌ای بود که به دنبال شناخت عوامل پیدایی و تغییرات اجتماعی بودند. عده‌ای دیگر با دیدگاه انتقادی و رادیکالی به بررسی مسائل می‌پرداختند و نتایج حاصل از تحقیقات آنها خوشایند رژیم استبدادی نبود زیرا این گونه تحقیقات می‌توانست ماهیت رژیم را زیر سؤال ببرد (لهسایی زاده، ۱۳۷۵، ص ۹۷).

گروهی دیگر مسائل اجتماعی را در چارچوب اصلی اجتماعی و فرایندهای توسعه آن پیگیری کرده و در چارچوب همان نظام پیشنهادهایی برای اصلاح جامعه عرضه می‌کردند. این تحقیقات چون جنبه انتقادی محدودی داشت برای رژیم پذیرش آنها آسانتر بود. بنابراین بیشتر تحقیقات به این سبک اعمال می‌شد و نتایج حاصل از آن به چاپ می‌رسید.

دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی نقش عمده‌ای در به انجام رساندن تحقیقات اجتماعی در ایران داشتند اما آنچه که واقعیت دارد این‌که تحقیقات انجام شده در زمینه مسائل اجتماعی تا قبل از انقلاب چشم‌گیر نبوده است (همان، ص ۹۷).

در اثر توسعه جامعه‌شناسی و ضرورت بررسی مسائل اجتماعی ایران مراکز تحقیقاتی گوناگون در ایران تاسیس شد. فعال‌ترین مؤسسات پژوهشی فرهنگی - اجتماعی قبل از انقلاب، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی بودند که توانستند هم تحقیقات بنیادی خوبی انجام دهند و هم در جریان تحقیقات پژوهشگران اصلی تربیت کنند.

تحقیقات اجتماعی بدون شک در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران شکل گرفت. در سال تاسیس تا فرمان انقلاب یعنی در طول بیست سال حدود هشتصد کار تحقیقی در گروه‌های مختلف جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی روستایی، جامعه‌شناسی عشایری، جمعیت‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی، روانشناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی سیاسی و چند گروه دیگر به انجام رسید (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸، ص ۵۳).

قبل از انقلاب اسلامی، کنفرانس‌ها، سمینارهای قابل ملاحظه‌ای در زمینه مسائل اجتماعی ایران برگزار نگردید، ضعف انتشاراتی در زمینه علوم اجتماعی وجود داشت به طوری که تا سال ۱۳۵۷ تقریباً ۱۰۳۹ کتاب در مورد مباحث جامعه‌شناسی در کشور منتشر شد که دربرگیرنده ۲۶ عنوان تخصصی در جامعه‌شناسی است. هم‌چنین هشت نشریه در زمینه علوم اجتماعی منتشر شد که وابسته به دانشگاه‌ها بودند و کمتر مطالب انتقادی و اجتماعی در آن به چشم می‌خورد. با توجه به جمعیت موجود در قبل از انقلاب اسلامی مجموعه پژوهشگران علوم اجتماعی در ایران طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۳۲ نهاد تحقیقاتی دولتی مشغول فعالیت بودند که مجموعاً ۱۰۸۹ نفر می‌باشند. بنابراین ایران قبل از انقلاب اسلامی مانند سایر کشورهای پیرامونی موانع و مشکلات مخصوص به خود داشته است. وجود احتیاط‌های سیاسی، نهادی نبودن پدیده تحقیق در ایران، عدم ارزش‌گذاری به تحقیقات اجتماعی، تشریفات اداری و بروکراتیک، کمبود سرمایه‌های تحقیقاتی، کمبود پژوهشگر و محقق ماهر و... از موانع پژوهشی محسوب می‌گردید. به طور خلاصه باید گفت تحقیقات اجتماعی در قبل از انقلاب با یک ضعف ساختاری و محتوایی روبرو بوده است (لهسایی زاده، ۱۳۷۵، ص ۹۷).

### جایگاه تحقیق و پژوهش بعد از انقلاب اسلامی ایران

از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ شورای پژوهش‌های علمی کشور در کنار مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی رسماً وظیفه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فعالیت‌های تحقیقاتی را به عهده داشت. در سال ۱۳۵۹ به دنبال تصویب لایحه قانونی ادغام و جابجایی واحدهای وزارت علوم شورای پژوهش‌های علمی کشور در مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی ادغام شد.

تا سال ۱۳۶۳ مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی تنها نهاد متولی امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فعالیت‌های تحقیقاتی کشور بود. در سال ۱۳۶۷ سیاست تحقیقاتی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. در این مصوبه فرهنگستان علوم متولی تدوین سیاست‌های پژوهشی معرفی شد و شورای پژوهش‌های علمی موظف گردید که روش‌های استفاده از نتایج تحقیقات را تعیین کند و برنامه‌های اجرایی خاص را به منظور تبیین

سیاست‌های تحقیقاتی تدوین نماید. هم چنین وزارت فرهنگ و آموزش عالی موظف گردید در مورد وظایف و اختیارات و ترکیب شورای پژوهش‌های علمی کشور تجدید نظر کند و آیین نامه جدیدی را تدوین و جهت تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید (همان، ص ۱۰۲).

به این ترتیب از سال ۱۳۶۸ تاکنون شورای پژوهش‌های علمی کشور بعنوان نهاد متولی نظام تحقیقاتی شناخته شده که به تدوین سیاست‌های اجرایی پژوهش‌های کشور تهیه طرح نظام تحقیقاتی، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پژوهشی به نظارت بر کیفیت انجام تحقیقات و... می پرداخته است.

در سال ۱۳۷۸ طرح تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به جای وزارت فرهنگ و آموزش عالی در قالب برنامه سوم توسعه به تصویب رسید. هدف از این کار پاسخگویی به الزامات رشد علم، توسعه و پژوهش و گسترش فناوری بود. به عبارت دیگر گامی بود در جهت اینکه ساختار جدید صرفاً آموزش نیست بلکه تولید علم از طریق پژوهش و کاربرد آن برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و گسترش فناوری است و بدین ترتیب گامی اساسی در جهت نهادینه کردن نظام تحقیقاتی برداشته شود (همان، ص ۱۰۲).

در حال حاضر شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شده و در سال ۱۳۸۳ شورای پژوهش‌های علمی کشور به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتقال یافته است. از مهم‌ترین فعالیت‌های این شورا در سال ۱۳۸۲ می توان به تاسیس صندوق ملی حمایت از پژوهشگران و طرح شناسایی موانع تحقیق و نوآوری اشاره کرد. آنچه مسلم است این‌که پدیده انقلاب اسلامی هم بر روند و محتوای تحقیقات اجتماعی اثر می‌گذارد و تحقیقات اجتماعی را خواستار می‌شود. بسیاری از تحقیقات اجتماعی با توجه به جو سیاسی و ملی به سمت تحقیقات بومی حرکت می‌کند. پژوهش‌های لیبرالی هنوز رایج است اما در مقابل به میزان پژوهش‌های رادیکالی و انتقادی افزوده می‌گردد. پژوهش‌های بنیادی مقدار کمی صورت می‌گیرد زیرا در جامعه برای این‌گونه پژوهش‌ها ارزشی درخور آنها قایل نیستند. در مقابل پژوهش‌های به اصطلاح کاربردی رواج پیدا کرده است (همان، ص ۱۰۲).

بطور کلی پی از انقلاب اسلامی ما با افزایش علاقه نسبت به تحقیقات اجتماعی روبرو هستیم که همین امر موجب افزایش تعداد مؤسسات تحقیقاتی در ایران شده است. دلایل این

افزایش به احساس نیاز به حل مشکلات اجتماعی موجود به نیاز کشور به توسعه، کمبود امکانات دانشگاه‌ها، نیاز به ارتقای کیفی و کمی پژوهشگران و... بر می‌گردد افزایش بی‌رویه کنفرانس‌ها که البته علوم اجتماعی سهم بسیار کوچکی از آن را دارا بوده به چشم می‌خورد و شاید اولین سمینار مستقل علوم اجتماعی سمیناری است که در خرداد ۱۳۷۵ در دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی برپا شد و به بررسی مسائل اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخت. از طرف دیگر چاپ کتاب‌ها و مجلات در زمینه علوم اجتماعی گسترش یافت. با وجود این تحقیقات اجتماعی در این دوران با مشکلات فراوانی روبرو است. به عبارت دیگر می‌توان گفت همان مشکلات قبل از انقلاب با شدت و ضعف در بعد از انقلاب بر تحقیقات اجتماعی سایه افکنده است. هنوز حساسیت سیاسی پیرامون تحقیقات اجتماعی و نتایج حاصل از آن وجود دارد. آن‌گونه که باید تحقیقات اجتماعی نهادینه نشده‌اند و ارزشی برای آنها قایل نیستند. تشریفات اداری، کمبود اعتبارات پژوهشی، کمبود پژوهشگر، نبود روحیه علمی در تحقیقات، عدم توجه به تحقیقات اجتماعی در دانشگاه‌ها، کندی انتشارات دانشگاهی در زمینه مسائل اجتماعی، بارسنگین تدریس پژوهشگران اجتماعی، نبود رابطه بین مراکز تحقیقاتی - دانشگاهی با مؤسسات اجرایی و... به نوعی به چشم می‌خورد (همان، ص ۱۰۲).

### مراکز تحقیقاتی دولتی و غیر دولتی در ایران بعد از انقلاب اسلامی

در طول بیست سال (۱۳۵۷-۱۳۷۷) برخی مراکز تحقیقاتی منحل شده، برخی تغییر نام داده و برخی هم ادغام شده و برخی به همان صورت ادامه فعالیت می‌دهند و تعدادی مراکز جدید نیز تاسیس شده است.

تا سال ۱۳۷۷ تعداد کل مراکز تحقیقاتی دولتی کشور، ۱۵۵ واحد است که ۷۶٪ (۱۱۷ مرکز) در تهران و بقیه یعنی ۲۴٪ (۳۸ مرکز) در سایر شهرستان‌ها به فعالیت اشتغال داشته‌اند. ۱/۳۳ درصد از مراکز تشکیل شده (۵۲ مرکز) وابسته به دانشگاه‌ها، ۶/۶۵ درصد (۱۰۱ مرکز) وابسته به دستگاه‌ها و نهادها و ۱/۳ درصد (۲ مرکز) نیز بین دانشگاه‌ها و دستگاه‌ها مشترک بوده‌اند.

بررسی ساختار مراکز تحقیقاتی در حال فعالیت به تفکیک گروه‌های تخصصی نشان می‌دهد که بیشتر سهم از مراکز تحقیقاتی مربوط به گروه علوم انسانی و اجتماعی است. (۴۷ مرکز



و ۳۰/۳ درصد سهم) و کمترین آن مربوط به گروه علوم پزشکی (۶ مرکز و ۳/۹ درصد سهم) است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: مراکز تحقیقات دولتی به تفکیک گروههای تخصصی - ۱۳۷۷

گروه تخصصی	تعداد و سهم		محل جغرافیایی		وابستگی سازمانی	
	تعداد	سهم	تهران	سایر	دانشگاه دستگاه اجرایی	مستقل
گروه پزشکی	۶	۳/۹	۵	۱	۳	۲
گروه علوم انسانی و اجتماعی	۳۷	۳۰/۳	۲۳	۳	۱۹	۲۸
گروه علوم پایه	۱۰	۶/۵	۷	۳	۶	۳
گروه فنی و مهندسی	۳۳	۲۱/۹	۲۳	۱۰	۹	۲۳
گروه کشاورزی	۲۲	۱۳/۲	۶	۱۶	۲	۲۰
میان گروهی	۳۶	۲۳/۲	۳۱	۵	۱۲	۲۳
جمع کل	۱۵۵	۱۰۰	۱۱۷	۳۸	۵۲	۱۰۱

ماخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسسات پژوهشی کشور، اردیبهشت ۱۳۷۷

گروههای فنی و مهندسی و مراکز تحقیقاتی میان گروهی بعد از گروه علوم انسانی و اجتماعی دارای بیشترین مراکز تحقیقاتی می باشند. گروههای کشاورزی و علوم پایه در دوره های بعدی در این زمینه قرار دارند.

اساساً اطلاعات مربوط به تحقیقات بخش خصوصی بطور دقیق مشخص نیست و این امر خود یکی از نقایص ساختار نظام تحقیقاتی کشور است که متولی امر اطلاع رسانی نظام تحقیقاتی را معین نموده است.

#### جایگاه و پایگاه ایران از نظر تحقیقات اجتماعی در کشورهای پیرامون و کانون

در کشورهای کانون سطح بالایی از توسعه اجتماعی و اقتصادی را مشاهده می کنیم که برگرفته از شناخت های علمی و فنی و دستیابی آنها به ابزارهای مربوط است. اما در کشورهای پیرامون سطح پایین تری از توسعه اقتصادی - اجتماعی مشاهده می شود. در کشورهای کانون بادر نظر گرفتن این هدف که تحقیقات از اصلی ترین عوامل توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود به تحقیقات اجتماعی روی می آورند اما در کشورهای پیرامون و از

جمله ایران به تنها این هدف دنبال نمی شود بلکه هیچ گونه نیازی به تحقیقات اجتماعی احساس نمی شود. علت این امر را باید در بستر شرایط اجتماعی و روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران دانست. لذا تا زمانی که یک محیط پژوهشی مناسب با امکانات اولیه تحقیق فراهم نگردد هرگونه فعالیت پژوهشی بی اثر خواهد بود.

از نظر جایگاه ایران در تحقیقات باید گفت بطور مطلق فقیر هستیم. مؤسسه Rand در مقاله ای که در آمریکا منتشر ساخته و ظرفیت سازی علمی ۱۵۰ کشور را مطالعه کرده اظهار داشته است: بیست کشور پیشرفته، علمی هستند، ۲۴ کشور هم جزء کشورهای کارآمد علمی دسته بندی شده اند و ۲۴ کشور نیز در حال توسعه علمی معرفی شده اند. ۸۵ کشور در ردیف کشورهای عقب افتاده علمی هستند. ایران جزء کشورهای در حال توسعه علمی و در ردیف ۶۰ قرار دارد.

در مجموع به نظر می رسد عمده ترین تفاوت در سیاست ها و برنامه های علمی و تحقیقات اجتماعی کشورهای کانون و پیرامون این باشد که در کشورهای کانون انگیزه اصلی مسائل و معضلات اجتماعی و اقتصادی است به طوری که این امر به توسعه علم و تحقیق انجامیده است در حالی که در کشورهای پیرامون علم و فناوری و پژوهش بیشتر جنبه تجملی و تشریفاتی دارد. به عبارت دیگر بالغ بر ۹۰ درصد کل اعتبارات تحقیقاتی جهان در کشورهای صنعتی و توسعه یافته هزینه می شود و وضعیت کشورهای پیرامون در این زمینه نامطلوب است. اغلب کشورهای توسعه یافته سیاست های تحقیقاتی مناسبی نظیر: ایجاد فضای مناسب برای رشد نیروی انسانی، ایجاد محیط مناسب برای افزایش انگیزه برای تحقیقات، رشد و توسعه تبادل علمی بین مراکز دانشگاهی و اجرایی، نظام ارتقاء مناسب برای محققان، فراهم سازی تسهیلات مالی مناسب، افزایش سطح تبادل علمی با مؤسسات تحقیقاتی خارجی را دنبال می کنند و از تحقیقات اجتماعی برای حل مسائل حاصل از شرایط جدید جامعه بهره گیری می کنند.

کشورهای پیرامون گرچه شباهت های فراوان در زمینه وضعیت علم و تحقیقات اجتماعی دارند اما به لحاظ شرایط اقتصادی - اجتماعی و به تبع آن جایگاه پژوهش و تحقیق در ساختار جامعه می توان آنها را به سه دسته عمده تقسیم کرد:

۱- کشورهای پیرامونی توسعه یافته

۲- کشورهای پیرامونی در حال توسعه

### ۳- کشورهای پیرامونی عقب مانده

کشورها بی چون ایران، پاکستان، ترکیه، مالزی، بنگلادش، سنگاپور، مصر، مکزیک در دسته کشورهای پیرامونی در حال توسعه هستند. در این کشورها وابستگی علمی و فنی به کشورهای پیشرفته مشاهده می شود. علم و تحقیق جایگاه چندان مطلوبی در ساختار اقتصادی - اجتماعی ندارد و رابطه منطقی و دوسویه میان نیازهای اجتماعی و انجام تحقیقات کاربردی به وجود نیامده است (سالاریان، ۱۳۶۲، ص ۴۳).

با اشاره سهم اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص ملی و نسبت محققین به جمعیت کشورهای کانون و پیرامون می توان جایگاه ایران را مورد بررسی قرار داد. سهم اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص ملی در کشورهای عقب مانده کمتر از ۵٪ درصد، در کشورهای در حال توسعه ۵٪ تا ۲۰٪ درصد و در کشورهای پیشرفته بیش از ۳۰٪ درصد است. این میزان در ایران در سال ۱۳۸۳ به ۵۴٪ رسیده است.

جدول زیر نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۲ نشان می دهد سهم ایران از میان کشورهای پیرامون ۵۲٪ درصد و دارای کمترین سهم می باشد.

جدول شماره ۲: نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۲

نام کشور	ژاپن	کانادا	کروئ جنوبی	سنگاپور	چین	هند	مصر	پاکستان	کویت	ترکیه	تایلند	بنگلادش	اندونزی	آذربایجان	اردن	ایران
درصد تولید ناخالص ملی	۳۷/۹۰	۱/۸۵	۲/۹۶	۲/۱۱	۱/۰۹	۰/۷۸	۰/۱۹	۰/۱	۰/۲	۰/۶۴	۰/۱	۰/۰۳	۰/۱	۰/۳۷	۰/۲۶	۰/۵۲

ماخذ: رهیافت، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۳

نسبت تعداد محققان به جمعیت کشورهای پیرامون ۲۰۰ نفر است در حالی که این نسبت برای کشورهای توسعه یافته ۳۷۰۰ نفر برآورد می شود. این امر بیانگر فاصله عمیق کشورهای کانون و پیرامون در زمینه منابع انسانی است. بنا به گزارش رسمی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نسبت تعداد محققین به یک میلیون نفر جمعیت ایران در سال ۱۳۸۳ تعداد ۳۴۶ نفر محقق می باشد. هم چنین جدول نسبت تعداد محققین در هر یک میلیون نفر جمعیت در برخی از کشورهای جهان در سال ۲۰۰۲ نشان می دهد که سهم ایران از این میان ۳۳۶ نفر در هر یک میلیون نفر جمعیت است.

جدول شماره ۳: نسبت تعداد محققان در هر یک میلیون نفر جمعیت در برخی از کشورهای جهان در سال ۲۰۰۲

نام کشور	ژاپن	کانادا	کره جنوبی	سنگاپور	هند	مصر	پاکستان	کویت	تایلند	اندونزی	مجارستان	قیرقیزستان	آذربایجان	ایران
تعداد محققین	۵۳۲۱	۲۹۷۸	۲۸۸۰	۴۰۵۲	۹۹	۴۵۹	۷۵	۲	۷۴	۱۸۲	۱۰۹۹	۵۸۴	۲۷۲۹	۳۳۶

ماخذ: رهیافت، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۳

اگر به تعداد مقالات به ثبت رسیده با آدرس ایران در ISI توجه کنیم (مطابق جدول شماره ۴) می‌توان دریافت تعداد مقالات ایران در رشته‌های مختلف علوم محض، نسبت به مقالات علوم اجتماعی و هم چنین هنر و علوم انسانی قابل توجه‌تر بوده و حکایت از یک رشد علمی چشم‌گیر دارد. تولید علمی ایران در علوم محض از ۱۵٪ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۲۱۷٪ درصد تولید علمی در جهان در سال ۲۰۰۲ صعود کرده است. تعداد مقالات ایرانیان در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در این فاصله زمانی رشد اندکی را نشان می‌دهد، اما در رشته‌های مختلف هنر و علوم انسانی رشد علمی مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۴: تعداد مقالات ایران نسبت به کل مقالات جهان در سال ۲۰۰۲

نوع مقالات	علوم محض	علوم اجتماعی	هنر و علوم انسانی
سهم مقاله	۱۹۳۴	۶۹	۶
کل مقالات در جهان	۸۸۹۹۸۴	۱۲۵۰۰۰	۱۰۰۱۱۹

ماخذ: فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۱

بانگاهی به موقعیت کشورهای صنعتی بزرگ جهان که در صدر جدول رده بندی میزان تولید علمی کشورها قرار گرفته اند پذیرفتنی است که توسعه تمام عیار هر کشور ارتباط تنگاتنگی با تعداد مقالات منتشر یافته از آن کشور در حوزه علوم محض دارد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: درصد تولید علمی کشورهای عمده تولید کننده علوم محض براساس مقالات به ثبت رسیده در

سال ۲۰۰۲

کشور	تعداد مقالات	درصد تولد علمی
امریکا	۲۸۴۵۱۰	۳۲
ژاپن	۷۳۲۲۸	۸/۲
آلمان	۶۷۴۹۲	۷/۶
انگلستان	۶۲۹۳۳	۷/۱
فرانسه	۴۶۷۴۵	۵/۳
چین	۶۳۷۵۷	۴/۱
کانادا	۳۴۲۷۹	۳/۹
ایتالیا	۳۴۱۹۸	۳/۸
اسپانیا	۲۴۲۳۵	۲/۷
روسیه	۲۳۴۹۴	۲/۶
استرالیا	۲۱۱۵۳	۲/۴
هلند	۱۹۱۶۷	۲/۲
هند	۱۷۹۳۶	۲
کره جنوبی	۱۶۶۱۷	۱/۹
سوئد	۱۵۰۰۸	۱/۷
سوئیس	۱۴۱۷۱	۱/۶
برزیل	۱۳۷۴۹	۱/۵
اسرائیل	۱۰۹۳۰	۱/۲
لهستان	۱۰۷۸۷	۱/۲
تایوان	۱۰۶۳۹	۱/۲
بلژیک	۱۰۴۵۲	۱/۲

ماخذ: فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۱

موقعیت تولید علمی ایران در بین کشورهای آسیا در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. برای مقایسه تولید علمی کشورهای آسیایی در دو سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ برحسب تعداد کل مقالات و میزان درصد آن نسبت به کل جهان نشان داده شده است (صبوری، ۱۳۸۱، ص ۸۷). افزایش درصد تولید علم در مورد چین و کره جنوبی در سال ۲۰۰۲ نسبت به سال ۱۹۹۸ بسیار قابل توجه است. با توجه به این که جمعیت ایران نسبت به عربستان سعودی سه برابر است و نسبت به کویت بیش از پانزده برابر، سرانه تولید علمی عربستان سعودی و کویت بیش

از ایران می باشد. جمعیت ایران تقریباً  $1/5$  برابر کره جنوبی است در حالیکه تولید علمی کره جنوبی در سال ۲۰۰۲،  $8/5$  برابر ایران است.

جمعیت چین تقریباً ۱۷ برابر ایران است در حالی که تولید علمی چین در سال ۲۰۰۲، ۱۹ برابر ایران است. تایوان بایک سوم جمعیت ایران دارای تولید علمی  $5/5$  برابر ایران می باشد. در کشورهای پیشرفته صنعتی و رو به رشد، بخش خصوصی نقش مهمی در تحقیقات و هزینه های تحقیقاتی دارد. کشور کره جنوبی علی رغم اختصاصی سرانه ۸۶۱۵۰ دلار برای هر محقق، دولت فقط ۱۷ درصد اعتبارات تحقیقاتی را فراهم می سازد و بقیه توسط بخش خصوصی تامین می شود. هم چنین سهم دولت در تامین هزینه های تحقیق و توسعه در کشور ژاپن  $18/2$  درصد در آلمان  $34/1$  درصد، در فرانسه  $48/8$  درصد، در ترکیه ۷۰ درصد و در کشور هند  $87/4$  درصد می باشد. (همان، ص ۸۷).

در ایران نقش بخش خصوصی در تامین هزینه های تحقیقاتی بسیار ناچیز است. نقش تحقیق و پژوهش در شکوفایی وضعیت اقتصادی بخش خصوصی از جمله مسائلی است که باید برای مسئولین روشن گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۶: تعداد مقالات و درصد تولید علمی کل جهان برای کشورهای آسیایی در سال ۲۰۰۲

نام کشور	تعداد مقالات	درصد کل
ژاپن	۷۳۲۲۸	۸/۲۳
چین	۳۶۷۵۷	۴/۱۳
هند	۱۷۹۳۶	۲/۰۲
کره جنوبی	۱۶۶۱۷	۸۷۱
تایوان	۱۰۶۳۹	۱/۲۰
ترکیه	۸۳۵۵	۰/۹۴
هنگ کنگ	۵۶۴۲	۰/۶۳
سنگاپور	۴۲۲۰	۰/۴۷
گرجستان	۴۱۵۳	۰/۴۷
ایران	۱۹۳۴	۰/۲۲
تایلند	۱۶۵۲	۰/۱۹
عربستان	۱۴۰۳	۰/۱۶
مالزی	۸۹۵	۰/۱۰
پاکستان	۷۰۵	۰/۰۸
کویت	۴۵۹	۰/۰۵
فیلیپین	۴۳۲	۰/۰۵
اندونزی	۳۹۹	۰/۰۴
بنگلادش	۳۹۹	۰/۰۴
ارمنستان	۳۸۶	۰/۰۴
امارات عربی	۳۶۵	۰/۰۴
ویتنام	۳۳۹	۰/۰۴
ازبکستان	۳۲۳	۰/۰۴
لبنان	۲۶۶	۰/۰۳
عمان	۲۵۲	۰/۰۳
آذربایجان	۱۵۲	۰/۰۲
نپال	۱۵۲	۰/۰۲
سوریه	۱۰۳	۰/۰۱
دیگر کشورها	۱۰۰	۰/۰۱

ماخذ: فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۱

## تحول شاخصهای تحقیقاتی در ایران

نسبت اعتبارات بخش دولتی به تولید ناخالص ملی طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۴۹ نشان می‌دهد که میزان شاخص مذکور از ۳۴٪ در صد در سال ۱۳۴۹ به ۵۴٪ در صد در سال ۱۳۸۳ رسیده است که حکایت از افزایش این شاخص طی سالهای مورد بحث دارد.

میزان شاخص فوق طی سالهای مورد بررسی با افت و خیزهایی همراه بوده است. مطابق جدول شماره ۷ در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حداکثر میزان آن ۳۴٪ در صد برای سال ۱۳۴۹ و حداقل میزان آن ۲۲٪ در صد برای سال ۱۳۵۱ بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸ که مصادف با شروع جنگ در کشور بوده است میزان شاخص مذکور به ۱۳٪ در صد رسیده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵).

بعد از آن به دنبال مشکلات ناشی از وقوع انقلاب و جنگ با عراق میزان شاخص مذکور باز هم کاهش یافته و به ۱۱٪ در صد در سال ۱۳۶۱ رسید که پایین ترین مقدار طی سالهای مورد بحث است. در سالهای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی رشد این شاخص تداوم یافته و به ۴۴٪ در صد در سال ۱۳۷۲ رسید که تا سال ۱۳۸۰ بالاترین مقدار شاخص را دارا می‌باشد.

با شروع برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مجدداً مقدار آن کاهش یافته و به ۲۹٪ در صد در سال ۱۳۷۶ رسید. در حال حاضر با توجه بیشتر به بخش تحقیقات این شاخص به ۵۴٪ در صد در سال ۱۳۸۳ رسیده است که افزایش چشم‌گیر را نسبت به سالهای قبل نشان می‌دهد (جلال آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).



جدول شماره ۷: نسبت اعتبارات تحقیقاتی دولتی به تولید ناخالص ملی

سال	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
نسبت اعتبارات به تولید ناخالص ملی	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱۲
سال	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
نسبت اعتبارات به تولید ناخالص ملی	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۴۴
سال	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	-
نسبت اعتبارات به تولید ناخالص ملی	۰/۳۴	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۳۸	۰/۵۲	۰/۴۳	۰/۵۴	-

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش اقتصادی، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان

### تعداد محققین در هر یک میلیون نفر جمعیت

جدول زیر تعداد محققین در هر یک میلیون نفر جمعیت برای ایران طی سالهای ۱۳۸۳ - ۱۳۵۷ نمایش می دهد (جدول شماره ۸) ملاحظه می شود شاخص مذکور برای سالهای ۱۳۵۷-۱۳۷۲ بیش از دو برابر شده است. تعداد محققین در سال ۱۳۸۳ به ۳۴۶ نفر به ازای هر یک میلیون نفر رسیده است. کم بودن شاخص مذکور برای ایران طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۷۰ را می توان بدلیل خروج محققین و مهاجرت از کشور نسبت داد.

جدول شماره ۸: تعداد محققین در هر یک میلیون نفر جمعیت طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۸۳

سال	۵۷	۶۰	۶۴	۶۵	۶۶	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
تعداد	۲۸	۴۶	۶۷	۸۲	۸۱	۲۸	۴۵	۶۰	۹۷	۹۱
سال	۷۳	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳
تعداد	۲۴۸	۳۴۰	۳۳۸	۳۳۵	۳۲۳	۳۳۵	۳۳۶	۳۲۵	۳۴۰	۳۴۶

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش اقتصادی، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان

### سیاستهای پژوهشی کشور ایران

باتوجه به مصوبه ای که باعنوان سیاست تحقیقاتی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۶ مطرح گردید و شکل گیری شورای پژوهش های علمی کشور، ضرورت و اهمیت نقش تحقیقات اجتماعی و فرهنگی در برنامه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عمرانی کشور نمایان می شود. اما آنچه که واقعیت دارد این که در کشور اعتقاد به پژوهش ضعیف است. در سطوح عالی کشور هنگامی که در مورد تحقیقات تصمیمی گرفته می شود

پایدار نیست. بنابراین نسبت به کاربرد نتایج تحقیقات رغبت زیادی نشان داده نمی شود. مسئولین بیشتر به کارهای توصیفی و کارشناسی بسیار محدود و کم عمق سطحی قانع‌اند و یا مدیران بدون توجه به نتایج تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها به تجربه و برداشت‌های خود اکتفا می‌کنند (منصوری، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

آنچه اهمیت دارد این که مدیریت سیاسی کشور دریافته است که استقلال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی کشور در گرو توسعه پایدار است و دست یافتن به این توسعه جز با تحقیق و توسعه و نهادی ساختن تحقیق و فرهنگ تحقیق جامعه امکان پذیر نیست. به همین منظور در بخش مربوط به موانع و تنگناهای پژوهش به این موضوع اشاره می شود. با بررسی اعتبارات پژوهشی کل اعتبارات تحقیقاتی در کشور در سال ۱۳۸۳، ۶۰۰ میلیارد تومان است که حدود ۲۰ درصد آن در اختیار دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی قرار می گیرد و ۸۰ درصد بقیه در اختیار دستگاه‌های اجرایی اعم از این که این دستگاه‌ها واحد پژوهشی داشته و یا نداشته باشند قرار می گیرند (منصوری، ۱۳۸۳، ص ۲۹)

بنابراین این بودجه درصدی است که فقط حقوق پژوهشگران را می‌تواند تأمین کنند با شرایط موجود نمی‌توان نیروهای متخصص را حفظ کرد و در نتیجه بسیاری از متفکران و پژوهشگران مهاجرت می‌کنند و این نه به خاطر عدم برخورداری از رفاه صورت می‌گیرد بلکه به این دلیل است که محقق نمی‌تواند فکر و ایده خود را عملی کند. محقق عمده‌ترین نیازش امکان کار است، به عبارت دیگر محیط کار مناسب می‌خواهد. موضوع دیگر این است که قوانین ما عقب مانده و امکانات بسیار اندک است، مشکلات حاد مدیریتی، عدم تعریف صحیح از تحقیقات و محقق، نبود منطق تقسیم اعتبارات پژوهشی، عدم درک صحیح از زمان و مفهوم انتقال اطلاعات و... از جمله این مسائل است.

### موانع بنیادی تحقیقات اجتماعی در ایران

ساختار نظام تحقیقاتی در ایران در سال‌های گذشته تفاوت‌های بسیاری کرده است. نگاهی به آمار و ارقام شاخص سهم اعتبارات تحقیق و توسعه از تولید ناخالص ملی ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد. گرچه هر روز این فاصله کمتر و کمتر می‌شود به گونه‌ای که رشد قابل

ملاحظه ای در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم. هم چنین نگاهی به شاخص تعداد محققین در هر یک میلیون نفر جمعیت در ایران و سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که کشور ما در فاصله سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های چشم‌گیری را در جهت رشد این شاخص انجام داده است و امید می‌رود هر روز بر تعداد محققین افزوده شود. اما در این میان با وجود رشد اندک تحقیقات باید موانعی را که بر سر پژوهش‌های اجتماعی وجود دارند شناسایی و برای رفع آنها چاره‌جویی شود. در این جا به اختصار به موانع اجتماعی، فرهنگی، سازمانی اشاره می‌شود.

### موانع اجتماعی و فرهنگی

- بی‌توجهی به تحقیقات و عدم استفاده از نتایج تحقیقات در برنامه ریزیها و تصمیم‌گیری مدیران و اتکاء مدیران به تجربیات خود
- کم اهمیت جلوه دادن نقش تحقیق و محقق در جامعه
- نهادینه نشدن تحقیق در فرهنگ جامعه ایران و عدم اعتقاد به تحقیق در توسعه کشور
- ضعف روحیه تحقیقات جمعی و افزایش فردگرایی
- جانب‌داری ارزشی در تحقیقات
- نبود آزادی در بیان علمی (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۶).

### موانع سازمانی و بروکراتیک

- وجود سلسله مراتب اداری طولانی مدت برای تصویب طرح‌های پژوهشی
- کمبود اعتبارات پژوهشی و بویژه کمبود تخصیص بودجه به تحقیقات اجتماعی
- تقدم رابطه به ضابطه در تصویب و ارائه طرح‌های پژوهشی به افراد
- وجود افراد غیر متخصص در سمت‌های مدیریتی در سازمان‌های تحقیقی
- منطقی نبودن تقسیم اعتبارات به واحدهای پژوهشی
- عدم حمایت و تشویق در امر سرمایه‌گذاری مؤسسات تحقیقاتی غیردولتی
- اولویت دادن به فعالیت‌های آموزشی در عوض فعالیت‌های پژوهشی و علمی در نظام آموزشی کشور

- قوانین عقب مانده و ناپایدار
- نبود امکانات و محیط پژوهشی مناسب
- عدم همکاری و هماهنگی بین مدیریت سیاسی و مدیریت علمی و نبود ارتباط بین مراکز تحقیقاتی دولتی و غیر دولتی
- کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه تحقیق و عدم آموزش های مستمر در بهسازی انسانی در تحقیق (همان، ص ۳۱۶).

گذشته از مسائل اجتماعی و فرهنگی و سازمانی می توان به مسائل مذهبی، مدیریتی، اطلاع رسانی، آموزشی، سیاسی، اخلاقی و... اشاره کرد که هر یک بر نظام تحقیقاتی کشور اثر گذار می باشد. بطور خلاصه می توان این عوامل را در الگوی زیر پیاده کرد (طایفی، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

### نتیجه گیری و پیشنهادات

باتوجه به نظرات بیان شده و اشاره به موانع موجود در تحقیقات، پیشنهادات درجهت توسعه و رشد تحقیقات ارائه می شود:

- نهادینه ساختن فرهنگ تحقیق و پژوهش از طریق رسانه های گروهی، دانشگاه ها و مؤسسات غیردولتی از آنجا که دستاوردهای علمی - پژوهشی برای زندگی انسان امر ضروری است که بوسیله محققان اجتماعی صورت می گیرد بنابراین اهمیت دادن و احترام به آنها جزء ارزش های اجتماعی و فرهنگی محسوب می گردد.

- استفاده از متخصصان علوم اجتماعی در تصمیم گیری ها و امور مدیریتی
- حمایت دولت از مراکز تحقیقاتی غیر دولتی در جهت سرمایه گذاری
- مشخص نمودن متولی اصلی تحقیقات و مراکز تحقیقاتی و اقدام جدی و عملی در جهت تسریع روند امور پژوهشی
- آگاه ساختن مسئولان و برنامه ریزان در جهت استفاده از دستاوردهای تحقیقات در تصمیم گیری ها و عدم اتکاء به تجربیات شخصی
- تحقیقات توسط افراد متخصص انجام شود و از ارائه تحقیقات به افراد غیر متخصص پرهیز شود. افراد را می توان با آموزشهای مستمر در زمینه تحقیق ارتقاء داد.

- آموزش باید مبتنی بر پژوهش باشد. بنابراین این موضوع را می‌توان در نظام دانشگاهی کشور تقویت نمود.
- توجه به حقوق محققان و مراکز پژوهشی و تامین امکانات پژوهشی آنها
- اختصاص دادن اعتبارات کافی برای انجام تحقیقات اجتماعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی. جامعه شناسی ایران. تهران: مؤسسه کلمه. ۱۳۷۸.
- ۲- الیاسی، حمید. واقعیات توسعه نیافتگی. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۷.
- ۳- جلال آبادی، اسدالله. شاخصهای مهم تحقیقاتی در ایران و جهان. مجله رهیافت. شماره ۳۳. ۱۳۸۳.
- ۴- خبرنامه تحقیقات و فناوری. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور. شماره های ۲۵ و ۲۶.
- ۵- دبیرخانه شورای پژوهشهای علمی کشور. اولویت های تحقیقاتی کشور. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۹.
- ۶- دانشگاه فردوسی مشهد. مجموعه مقالات و نظرات نخستین سمینار بررسی مسائل پژوهشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور. مشهد. ۱۳۶۴.
- ۷- سیف اللهی، سیف الله. اقتصاد سیاسی ایران- مجموعه مقاله ها و نظرها. تهران: پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه ریزی المیزان. ۱۳۷۴.
- ۸- سیف اللهی، سیف الله. جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران- مجموعه مقالات و نظرها. تهران: مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا. ۱۳۸۱.
- ۹- سالاریان، رضا. بررسی تطبیقی سیاستهای پژوهشی در کشورهای مختلف جهان. فصلنامه علم و آینده. شماره ۶. پاییز ۱۳۸۲.
- ۱۰- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. بررسی تحول ساختاری بخش پژوهش. تهران: دفتر پژوهشی سازمان مدیریت. ۱۳۷۸.
- ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. نتایج آمارگیری از فعالیت های تحقیق و توسعه کشور. تهران: مرکز آمار ایران. ۱۳۸۱.
- ۱۲- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها. مجموعه مقاله های سمینار جامعه شناسی و توسعه. تهران: سمت. جلد اول: ۱۳۷۳.
- ۱۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات. ۱۳۸۳.
- ۱۴- صبوری، علی اکبر. بررسی کارنامه پژوهشی ایران در سال ۲۰۰۲ میلادی. مجله رهیافت. شماره ۲۸. ۱۳۸۱.
- ۱۵- طایفی، علی. موانع فرهنگی توسعه تحقیق در ایران. تهران: انتشارات آزاد اندیشان. ۱۳۸۰.
- ۱۶- طایفی، علی. نگرش سیستمی در مسئله شناسی تحقیق در ایران. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۸۰.
- ۱۷- فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت. تهران: شورای پژوهشهای علمی کشور. شماره های ۲۳-۱.
- ۱۸- لهسایی زاده، عبداللهی. موانع پژوهش در علوم اجتماعی. مجله رهیافت. شماره ۱۴. ۱۳۷۵.
- ۱۹- محسنی، منوچهر. وضعیت تحقیقات فرهنگی اجتماعی در ایران. تهران: نشر رسانش. ۱۳۷۸.
- ۲۰- منصوری، رضا. شناخت عوامل رشد پژوهش و نه موانع آن. مجله رهیافت. شماره ۳۳. ۱۳۸۳.
- ۲۱- منصوری، رضا. توسعه علمی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۸۲.
- ۲۲- مهربانی، مسعود. سیر تحولی اعتبارات پژوهشی در کشور. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری. ۱۳۸۱.
- ۲۳- نراقی، احسان و دیگری. نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران. تهران: نشر سخن. ۱۳۷۹.